

دختران آسمان

دکتر محمد رضا سنگری

را به ملکوت معنا می‌برد. چیزی که نمی‌دانی چیست، فاصله میان تو و خدا را کم می‌کند. این دختر عزیز موسی بن جعفر (ع) است که قم را پایتخت فقه و فرزاندگی ساخته است؛ جغرافیای ایمان و معنویت.

فاطمه معصومه (س) را «کریمه اهل بیت» می‌گویند و کریمه یعنی آنکه روح بزرگ، نگاه بزرگ، سیرت و رفتار بزرگ و منش بزرگوارانه‌ای دارد.

از امروز دختری
باشیم از جنس هر
چه خوبی و زیبایی
است.
از امروز فاطمه
معصومه (س) شدن
را تمرین کنیم.

خدا هم در تاریک‌زار روزگاری که دختر دشنام آفرینش بود و ولادتش شروع شرمساری و سرشکستگی، دختر را «کوثر» نامید و به پیامبرش گفت: «به شکرانه ولادت دختر، شتر قربانی کن و نماز گزار!» کدام روز، روز دختر نیست؟ بر پیشانی کدام خوبی نام دختر نمی‌توان گذاشت؟

یک دختر در توفان درد و اندوه، و در به‌دردی و اسارت، قانون صبوری شد و کربلای بدن‌های پاره‌پاره و خیمه‌های سوخته و شانه‌های تازبانه‌خورده را «زیبا» نامید.

یک دختر بر «تل زینبیه» ایستاد و دادگاه بزرگ تاریخ برپا کرد و مظلومیت را فریاد کشید و خواری ستم را رقم زد.

یک دختر به «قم» آمد و هنوز و هنوز پس از چهارده قرن، به برکت حضورش، چشمه چشمه معرفت و فقه و دانش و بینش می‌جوشد و تاریخ را آبیاری و شاداب می‌کند.

این یک دختر معصومه بود؛ فاطمه بود. رسم شکیب و شعور و شور می‌دانست و تا همیشه مائده‌ای گشود که جان‌های تشنه حقیقت میهمان اویند.

تا به قم می‌رسی و چشم تو را گنبد دلربایش می‌رباید، در خویش شکفتن و رویش و ایمان می‌یابی. مغناطیس غریبی تو

می‌گویند ستارگان دختران شبانگاه آسمان‌اند و گل‌ها دخترکان نازنین خاک. پس هر شب، شب دختر است و هر بهار، فصل دخترکان زمین!

«بنات‌الشمس» شنیده‌اید؟ «خوشه پروین» دیده‌اید؟

حتی خدا ستاره و ماه را با ضمیر «زن» شناسانده است. نام دختران نیز نام همه زیبایی‌های هستی است: ماه، ستاره، گل، نسیم، شبنم و بهار.

و کدام گل از قبيلة دختران نیست؟! نرگس، لاله، شقایق، لادن، بنفشه، سوسن و مریم.

ما در چشم‌گردانی خود از زمین تا آسمان، دختران شیرین و زیبای آفرینش را مرور می‌کنیم.

قرآن خوانده‌اید؟ «ها» ضمیری است که به خورشید، ماه، بهشت، آسمان، زمین و جان انسان اشاره می‌کند: «والشمس و ضحیها - و القمر اذا تلبها و النهار اذا جلیها و اللیل اذا یغشیها و السماء و ما بنیها.»

سوره شمس، آیه ۵۲۱

«ها» یعنی دختر، یعنی زیباترین و خوب‌ترین پدیده آفرینش!

نزدیک‌تر بیاییم. پیامبر عزیز ما در روزگار بی‌ایمانی به دختران، در عصر دهان باز گورها برای بلعیدن معصومیت

دختران، دخترش را «گل بهشت» نامید. او را «مادر پدر» خواند و با شوقی که از جان می‌جوشید، گفت: «فداها ابوها». من فدای دخترم!